

## **Power transition theory and foreign policy of the Islamic Republic of Iran**

**Mahdi Zolfaghari\***

Received: 2019/06/09

Accepted: 2020/01/24

Power is the key to understanding many of the ideas of international relations, such as realism. Over the past few decades, significant developments have occurred in the Middle East, And the structure and balance of power have changed at the regional level. Several actors in the region and the international system have become sensitive to this center of power and conflict. The Islamic Republic of Iran is one of the most important actors to closely monitor developments in the region and the international system. And seeks to further promote its geopolitical position in the future of the international order. In order to explain this position and strategic capabilities for the Islamic Republic of Iran, a descriptive-analytical method and a framework for a realistic transition of power theory have been used. According to the theory of Power transition, the transfer of power at regional and global level is based on the agreement of superior powers with emerging power, or with the opposition of the dominant powers to the emerging challenge. Therefore, the main question of this research is: What are the main influential indicators of the Islamic Republic of Iran for the future role of the international system?. In this paper, author discusses the issue in a descriptive-analytical approach and using “Power Transition Theory” (PTT). The results show: the I.R. Iran as a challenging Power, using its Internal resources and external capacities, seek to achieve a central position in the regional power hierarchy.

**Keywords:** Challenging government, Foreign policy, International system, I.R. Iran, Middle East, Power transition, Regional hierarchy, Regional power.

---

\* Assistant Professor of Political Science at Department of Political Science, Lorestan University, Lorestan, I.R.Iran. zolfaghari.m@lu.ac.ir

## نظریه «انتقال قدرت» و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۹

مهدی ذوالفقاری\*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۰۴

مقاله برای بازنگری به مدت ۵۰ روز نزد نویسنده بوده است.

### چکیده

جمهوری اسلامی ایران از جمله مهم‌ترین بازیگرانی است که به دقت تحولات منطقه و نظام بین‌الملل را رصد نموده و به دنبال ارتقاء بیشتر جایگاه و منزلت ژئوپلیتیکی خود در آینده نظم بین‌المللی است. جهت تبیین این جایگاه و ظرفیت‌های استراتژیک پیش روی جمهوری اسلامی ایران، از روش توصیفی - تحلیلی و چارچوب نظریه رئالیستی انتقال قدرت استفاده شده است. براساس نظریه انتقال قدرت، جایجایی قدرت در سطح منطقه‌ای و جهانی یا بر اساس توافق قدرت‌های برتر با قدرت نوظهور صورت می‌گیرد، یا با مخالفت و برخورد قدرت‌های مسلط با قدرت چالشگر نوظهور. نگارنده به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که: مهم‌ترین شاخص‌های نقش‌آفرینی منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بازیگران مسلط نظام بین‌الملل به دلیل تعارضات ناشی از قدرت نوظهور جمهوری اسلامی ایران، این جایجایی و انتقال را در تعارض با منافع و قدرت خود تلقی نموده و از ابزارهای متعدد جهت ممانعت از افزایش قدرت ایران استفاده می‌کنند. از سوی دیگر با عنایت به اراده ایران مبنی بر ایفای نقش جهانی و مخالفت با هنجارهای مسلط بازیگران قدرتمند زمینه برخورد و تقابل سیستمی به صورت محسوسی افزایش می‌یابد.

**واژگان کلیدی:** انتقال قدرت، جمهوری اسلامی ایران، خاورمیانه، سلسله مراتب منطقه‌ای، سیاست خارجی، قدرت چالشگر، قدرت منطقه‌ای، نظام بین‌الملل.

## مقدمه

**بیان مسئله:** به نظر بسیاری از تحلیلگران، قدرت کلید فهم سیاست‌های بین‌المللی به شمار می‌رود و بر همین اساس عنصر مرکزی نظریه‌های روابط بین‌الملل نیز است (Morgenthau, 1967, p. 25). در این میان قدرت منطقه‌ای مفهومی است که پس از پایان نظام دو قطبی بیش از پیش مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است. قدرت منطقه‌ای به معنی قدرتمندترین دولت در سطح منطقه یا زیرسیستم‌های تابعه است، اما رسیدن به چنین موقعیتی با داشتن شاخص‌های کمی و سخت‌افزاری، و همین‌طور کاربست قواعد ظریفی امکان‌پذیر است که می‌توان از آنها به عنوان قدرت نرم یاد کرد (خرمشاد و مرادخانی، ۱۳۹۴، ص. ۴). در نوشتار حاضر چیستی و کیفیت رسیدن به این موقعیت برای جمهوری اسلامی ایران به عنوان مسئله اصلی، انتخاب شده است.

**اهمیت:** با توجه به جایگاه راهبردی خاورمیانه در سیاست بین‌الملل و همچنین جایگاه بلامنازع جمهوری اسلامی ایران در این منطقه، مشخص می‌شود که طرح مباحث مربوط به قدرت منطقه‌ای ایران، دارای اهمیت راهبردی بوده و لازم است در دستور کار مستمر مؤسسات آموزشی و پژوهشی کشور باشد.

**ضرورت:** ایران دارای ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل زیادی برای ارتقاء جایگاهش به قدرت منطقه‌ای است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تفوق آرمان‌گرایی اسلامی فرصت مناسبی برای بالفعل شدن این ظرفیت‌ها ایجاد کرده که می‌طلبد مورد توجه قرار گرفته و در سیاست عملی به آنها پرداخته شود. بر این اساس عدم توجه لازم به مؤلفه قدرت منطقه‌ای ایران می‌تواند، الگوی مدیریت سیاست خارجی کشور را تضعیف و تحصیل منافع ملی را مخدوش سازد.

**اهداف:** هدف اصلی پژوهش حاضر برجسته‌سازی موقعیت عنصر قدرت (نرم و سخت) در مناسبات بین‌المللی است تا از این طریق به تحقق اهداف راهبردی سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران کمک نماید.

**سؤال‌ها:** سؤال اصلی پژوهش حاضر این است: مهم‌ترین شاخص‌های نقش‌آفرینی منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ از این منظر پرسش از منابع، اهداف و ظرفیت‌های ایران در محیط منطقه‌ای، به عنوان سؤال‌های مقدماتی طرح و بررسی شده‌اند.

**فرضیه:** موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، منابع عظیم انرژی، قدرت نظامی بومی، خودکفایی علمی و فناوری و حوزه نفوذ اسلامی و تمدنی ایران، مهمترین شاخص‌های نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای و بازیگری مؤثر در نظام بین‌الملل می‌باشد.

**روش پژوهش:** این پژوهش از حیث هدف، از نوع کاربردی و روش انجام آن روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و از روش کیفی برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. بر این اساس طراحی و کاربست چارچوب تحلیلی دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد که نظریه انتقال قدرت انتخاب و مبنای تحلیل قرار گرفته است. جهت این امر، گام‌های زیر برداشته شده است:

اول. بررسی شاخص‌های تأثیرگذار بر نقش‌آفرینی منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران؛

دوم. شناسایی و بررسی نظریه‌های مربوطه و انتخاب نظریه؛

سوم. طراحی الگوی تحلیل بر اساس نظریه انتخابی؛

چهارم. تحلیل اطلاعات بر اساس نظریه و الگو.

#### ۱. پیشینه تحقیق

اگرچه تعداد زیادی مقاله، کتاب و رساله راجع به سیاست خارجی ایران به چاپ رسیده، اما از منظر نظریه انتقال قدرت و توجه به شاخص‌های قدرت ملی ایران، متون علمی - تخصصی معتبر راجع به این مسئله اندک است. آثار این حوزه را می‌توان در دو دسته تقسیم‌بندی کرد:

##### ۱-۱. منابعی که با تأکید بر عامل ژئوپلیتیک به تبیین منطقه‌گرایی ایران پرداخته‌اند.

جاودانی مقدم (۱۳۹۱)، به اهمیت نقش تحولات جدید ژئوپلیتیک منطقه بر نظم نوین سیاسی، اجتماعی و امنیتی خاورمیانه پرداخته و در این بین به اهمیت راهبردی ایدئولوژی تشیع برای ساخت نظم نوین مورد نظر ایران اشاره می‌کند. سیدعباس احمدی و همکاران (۱۳۹۶)، به مراحل تحول نقش قدرت‌ها از منظر ژئوپلیتیکی اشاره می‌کند. وی معتقد است که مناطق ژئوپلیتیکی در رقابت بین قدرت‌ها ابتدا ماهیت

طبیعی داشته، سپس ماهیت ایدئولوژیک یافته و در دوره کنونی مناسبات قدرت بین‌المللی بر اساس جغرافیا مورد بررسی قرار می‌گیرد. اطاعت (۱۳۸۷)، ایران را بازیگری با ظرفیت‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای و بین‌المللی می‌داند، اگرچه چالش‌های بسیاری در مسیر تحقق قدرت نوظهور ایران قابل تصور است. از این نظر مهمترین چالش و مانع تحقق قدرت منطقه‌ای و جهانی ایران، تعارض منافع با ایالات متحده آمریکا است.

#### ۲-۱. منابعی که بر عامل ایدئولوژی جهت تبیین راهبرد منطقه‌گرایی ایران تأکید دارند.

از دیدگاه این نویسندگان نوعی تحول محتوایی از ژئوپلیتیک به سمت ایدئولوژی را شاهد هستیم. در این خصوص سمیعی اصفهانی و امیربیک (۱۳۹۰)، در اثر خود به قدرت منطقه‌ای ایران از نظرگاه ایدئولوژیک پرداخته و چالش‌های پیش روی سیاست خارجی ایران در مواجهه با آمریکا و قدرت‌های معارض نظام بین‌الملل را بررسی می‌نماید. جاودانی مقدم (۱۳۹۱) در مقاله خود به نقش حمایتی جمهوری اسلامی ایران نسبت به خیزش ایدئولوژیک و شیعی در جهان پرداخته و معتقد است که ایران از این رهگذر به دنبال نقش‌آفرینی در نظام منطقه‌ای و بالتبع سیاست‌های جهانی است. سمیعی اصفهانی و امیربیک (۱۳۹۰) نیز به نقش سیاست خارجی غیرمنعطف تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران در دهه ۷۰ پرداخته و معتقد است که مخالفت با روند جاری سیاست آمریکا در خاورمیانه و نامشروع قلمداد کردن دولت‌های عربی از جمله موارد تأثیرگذار در راهبرد قدرت‌آفرینی ایران در منطقه و نظام بین‌الملل است.

بیشتر متون مذکور فقط از دو جنبه ژئوپلیتیک و یا ایدئولوژی به سطوح رقابت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. در حالی که نگارنده در پژوهش پیش‌رو، با مدنظر قراردادن نظریه انتقال قدرت و کاربرد این نظریه در سطوح رقابت منطقه‌ای توانسته با نشان دادن شاخص‌های قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، انگیزه چالش‌گرانه سیاست خارجی ایران را توضیح دهد و سپس سناریوهای قدرت‌های مسلط نظام بین‌الملل در مواجهه با قدرت نوظهور ایران را تبیین نماید. نقطه قوت نظریه انتقال قدرت که مورد توجه نگارنده است، قدرت تبیین چگونگی ظهور قدرت‌های جدید نظام بین‌الملل و نحوه رفتار رقبا ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک است.

## ۲. مبانی مفهومی

### ۲-۱. قدرت

قدرت را می‌توان به صورت توانایی کنترل یا اثرگذاری بر دیگران (Bueno de Mesquita, 2006, pp. 236-248) یا به عنوان منابع مادی و دارایی خاص در اختیار دولت در نظر گرفت (Mearsheimer, 2001, p. 57). هر چند هنوز در خصوص مناسب‌ترین راهبرد برای تعریف قدرت، اتفاق نظر کامل وجود ندارد، اما توجه به هر دو تعریف، نظریه انتقال قدرت و سیاست خارجی ایران مزایای تبیینی بسیاری دارد که بنای مقاله نیز بر این گذاشته شده است.

### ۲-۲. ژئواستراتژی

ژئواستراتژی علم روابط متقابل جغرافیا، استراتژی و قدرت است. بنا به تعریف ژئواستراتژی از منظر سیاست خارجی عبارت است از: «سیاست خارجی اتخاذ شده از سوی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی مبتنی بر عامل سرزمین و توزیع جغرافیایی قدرت. در شرایط کنونی تمامی تحولات نظامی، سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی بیش از سایر مسائل با اصول و مبانی ژئواستراتژیک ارتباط دارد و به همین دلیل در بسیاری از راهبردهای اعلامی و اعمالی از سوی کشورها و تجزیه و تحلیل‌های سیاسی و امنیتی، موقعیت و وضعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی یک منطقه یا یک واحد سیاسی در کنار هم مورد توجه قرار می‌گیرد» (یزدانی و تویسرکانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۳).

### ۲-۳. رقابت منطقه‌ای

تلاش یک دولت برای شکست و یا موفق‌تر شدن از دیگر دولت‌ها رقابت نام می‌گیرد. در رقابت منطقه‌ای، منافع مشترک مادی و عینی جای خود را به منافع تقابلی می‌دهد. زیرا که از منافع مشترک، همکاری، ائتلاف و ژئوپلیتیک صلح حاصل؛ اما از منافع متقابل، رقابت، منازعه و جنگ به دست می‌آید. رقابت منطقه‌ای از اشکال مختلفی برخوردار است: رقابت بین دو یا چند قدرت هم‌تراز؛ رقابت بین دو قدرت ناهم‌سطح درجه یک و دو؛ رقابت مداخله‌ای. حوزه و منشأ رقابت می‌تواند سرزمین، ناسیونالیسم، کمبود منابع، قدرت و اقتصاد باشد. از درون این رقابت‌ها، ائتلاف و رقابت‌های

تسلیماتی شکل می‌گیرد (احمدی؛ بدیعی و حیدری، ۱۳۹۶، ص. ۶۰). در صورت وقوع رقابت منطقه‌ای، دو یا چند قدرت رقیب دست به سلسله‌های عملی می‌زنند که از قدرت نفوذ و منابع رقیب کاسته و بر نفوذ و منابع خود به طرز قابل توجهی اضافه کنند. از سوی دیگر، شکست و پیروزی در رقابت منطقه‌ای منجر به ایجاد نظم جدید منطقه‌ای و جهانی می‌شود. به عبارت دیگر، آینده نظم جهانی را بازتاب‌های ظهور قدرت جدید در رقابت بین‌المللی مشخص می‌کند.

### ۳. مبانی نظری: نظریه انتقال قدرت

یکی از نظریات مهم سیاست بین‌المللی، نظریه انتقال قدرت<sup>۱</sup> می‌باشد که توسط ارگانسکی (Organski, 1968) تدوین شده و در مقابل نظریه توازن قدرت قرار دارد. کانون مرکزی این نظریه را «قدرت» و «تحولات قدرتی» شکل داده و این که نظام بین‌الملل اصولاً متأثر از قدرت است (Kugler & Lemke, 1996).

#### ۳-۱. ارکان انتقال قدرت

نظریه انتقال قدرت با این فرض شروع می‌شود که کاملاً از انواع دیگر واقع‌گرایی متفاوت است. ابتدا اینکه در این نظریه نظام بین‌الملل به جای آنارشی، سلسله‌مراتبی در نظر گرفته می‌شود.

#### الف. تحلیل سلسله‌مراتبی قدرت

سلسله‌مراتب در قالب هرمی از قدرت ترسیم شده است که در نمودار شماره (۱) مشاهده می‌شود. در قسمت فوقانی سلسله‌مراتب دولت غالب قرار دارد که قوی‌ترین دولت موجود در جهان می‌باشد. از زمان جنگ دوم جهانی به بعد، ایالات متحده دولت غالب جهان بوده است؛ قبل از آن انگلستان این مقام را در اختیار داشت. بعد از ایالات متحده نیز قدرت‌های بزرگ قرار دارند، دولت‌های قدرتمندی مثل روسیه، چین، فرانسه و آلمان که ممکن است روزی بدل به قدرت غالب شوند نیز در مرتبه بعدی می‌باشند. در سطح بعدی قدرت‌های میانه جای دارند که به لحاظ منطقه‌ای قدرتمند هستند، اما در سطحی یکسان با قدرت‌های بزرگ قرار ندارند و نمونه‌های عصر جدید این دولت‌ها عبارت‌اند از: جمهوری اسلامی ایران، برزیل و هند. در نهایت، پایین‌ترین

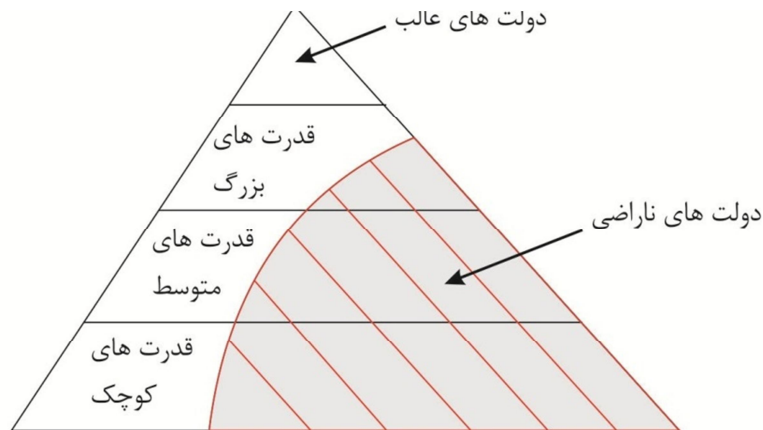
سطح نیز قدرت‌های کوچک‌اند که بزرگ‌ترین گروه کشورهای نظیر بلژیک، کامرون و تایلند را دربر می‌گیرد و در نظام بین‌الملل قدرت یا اثرگذاری کمی دارند (Quackenbush, 2015, p. 117).

#### ب. اصل رضایت و پذیرش

رضایت یکی از اجزای کلیدی استدلال انتقال قدرت محسوب می‌شود، زیرا انتقال‌های قدرت تنها در صورتی خطرناک است که دولت در حال اوج‌گیری ناراضی باشد. بنابراین انتقال قدرت بین بریتانیای کبیر و ایالات متحده صلح‌آمیز بوده است، زیرا ایالات متحده از بابت انتقال قدرت رضایت<sup>۲</sup> داشت. دولت مسلط قواعد و هنجارهای نظام بین‌الملل را تثبیت می‌کند که به نوبه خود وضع موجود را مشخص می‌سازند و همین قواعد و هنجارها مطلوب برخی دولت‌ها بوده و برخی دیگر نیز از آن رضایت ندارند. ایالات متحده به عنوان دولت غالب از زمان جنگ دوم جهانی به بعد قواعد و نرم‌های مختلف بین‌المللی را در نظام بین‌الملل وضع کرده است. به عنوان مثال نظام برتون وودز<sup>۳</sup>، رژیم پولی که بعد از جنگ دوم جهانی تعیین شده است؛ توافقنامه کلی بر سر نرخ تعرفه و تجارت<sup>۴</sup> و سازمان تجارت جهانی<sup>۵</sup> رژیم‌های تجاری هستند که از زمان جنگ دوم جهانی به بعد توسط قدرت مسلط وضع شده‌اند و تمرکز آنها بر از میان برداشتن موانع تجاری و افزایش تجارت آزاد در جهان می‌باشد. به علاوه ایالات متحده هنجارهای قدرتمندی را در روابط بین‌المللی برای ترویج نهادهای دموکراتیک و ترویج گفتمان حقوق بشر وضع کرده است.



نمودار شماره (۱): نظام بین‌الملل و سلسله‌مراتب قدرت بر اساس نظریه انتقال قدرت



منبع: (Quackenbush, 2015, p. 118)

پ. رفتار بازیگر غالب

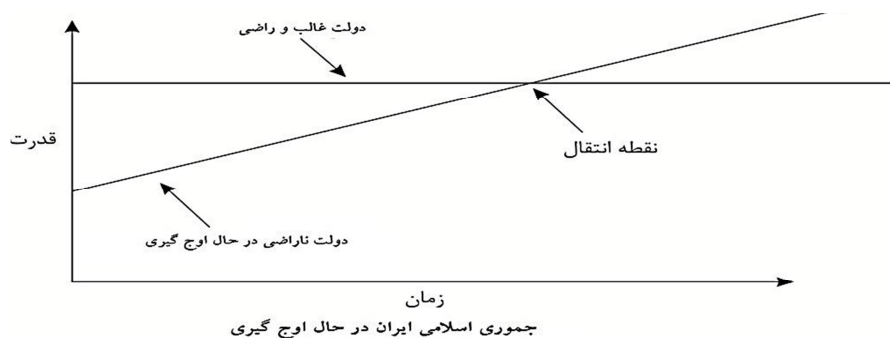
جنگ سرد که از ۱۹۴۵ الی ۱۹۸۹ به طول انجامید، دوره طولانی از تنش را شامل می‌شد که شاخصه آن به چالش کشیده شدن جایگاه ایالات متحده به عنوان قدرت غالب توسط اتحاد جماهیر شوروی است. واضح است که بسیاری از قواعد و هنجارهای ترویج‌یافته توسط ایالات متحده آمریکا در صورت پیروزی شوروی در رقابت بینابین و بدل شدن به هژمون جهانی کنار گذاشته می‌شد. افزون بر این وضع موجود که توسط ایالات متحده تثبیت شده است تفاوت بسیار حال با گذشته را نشان می‌دهد. قواعد و هنجارهای بین‌المللی قبل از جنگ دوم جهانی بسیار متفاوت با بعد از آن بوده و بخشی از نظام وضع شده توسط بریتانیای کبیر قدرت غالب سابق به شمار می‌رفت.

هرم قدرت که در نمودار شماره (۱) نشان داده شد، شامل دولت‌های راضی و ناراضی نیز می‌شود. دولت غالب همیشه راضی است، این در حالی است که نسبت دولت‌های ناراضی به موازات پایین آمدن از هرم افزایش پیدا می‌کند، زیرا دولت‌هایی که قدرت کمتری دارند اثر کمی روی وضع موجود به جای می‌گذارند. در نظریه انتقال قدرت عقیده بر آن است که دولت‌های راضی، به منظور تقویت قواعد و هنجارهای نظام، در قالب ائتلاف برنده به دولت غالب ملحق می‌شوند.

### ت. تمایل ایران به اوج‌گیری

احتمال وقوع منازعه بیشتر از همه زمانی است که دولت چالش‌گر ناراضی، به میزان لازم در سلسله‌مراتب هرم اوج بگیرد تا بتواند دولت غالب را به چالش کشیده و یا حتی از آن عبور نماید. نمودار شماره (۲)، قدرت دولت غالب و طرف به چالش کشاننده را در حال اوج‌گیری به مرور زمان نشان می‌دهد. دوره زمانی با شکاف بزرگی در قدرت بین دو طرف شروع می‌شود. جمهوری اسلامی ایران به عنوان دولت چالش‌کننده، به نسبت دولت غالب، هنگام اوج‌گیری خود سریع‌تر رشد می‌کند و در نهایت به موازات قدرتمندتر شدنش در قیاس با سایر دولت‌های هم‌تراز در منطقه می‌تواند از آنها رد شود. در نظریه انتقال قدرت منازعه بیشتر حول و حوش «نقطه انتقال» رخ می‌دهد، یعنی هنگامی که دولت ناراضی تقریباً از نظر قدرت رشد می‌کند. منازعه صرفاً وقتی محتمل است که طرف چالش‌گر در حال اوج‌گیری ناراضی باشد.

#### نمودار شماره (۲): چالش اوج‌گیری بازیگر ناراضی



منبع: (طراحی شده توسط محقق)

### ث. سلسله‌مراتب جهانی و منطقه‌ای

نظریه انتقال قدرت به منظور شرح جنگ‌های بزرگ همانند جنگ اول و جنگ دوم جهانی تدوین شد و محوریت آن قدرت مسلط در نظام بین‌الملل و دولت‌هایی است که دولت غالب را به چالش می‌کشند. اما در ادامه با تحولات جدید و ظهور قدرت‌های متوسط، نظریه انتقال قدرت توسعه یافت تا بتواند روابط درون مناطق را هم تجزیه و تحلیل نماید. بر این اساس لمکه<sup>۶</sup> این مسئله را مطرح می‌سازد که افزون بر

سلسله‌مراتب جهانی، سلسله‌مراتب منطقه‌ای هم وجود دارد و در منطقه قدرت غالب و طرف‌های دیگری که قدرت آن را به چالش بکشند هم وجود دارد (Lemke, 2002). بر اساس استدلال پیش‌گفته، در حالی که ایران در نظام بین‌الملل یک قدرت میانه محسوب می‌شود، در منطقه خود قدرت غالب می‌باشد.

#### ۴. شاخص‌های نقش‌آفرینی منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران

شاخص‌های نقش‌آفرینی منطقه‌ای و بین‌المللی نظام‌های سیاسی متنوع و گسترده می‌باشند. در تعیین و تعریف این شاخص‌ها، ویژگی‌های فضایی - جغرافیایی کشورها و مناطقی که در آن واقع شده‌اند، مهمترین نقش را ایفاء می‌کنند. با این وجود می‌توان آنها را در دو حوزه سخت (منظور نگارنده در اینجا قابل اندازه‌گیری) و نرم (قدرت نمادین) تقسیم‌بندی نمود:

##### ۴-۱. شاخص‌های سخت‌افزاری

این شاخص‌ها عینی، کمی، قابل شناسایی و قابل ارزیابی و اندازه‌گیری هستند. برخی از آنها از عوامل طبیعی نشأت گرفته و برخی نیز تولیدات کشورها در حوزه‌های مختلف به ویژه نظامی می‌باشند.

##### الف. موقعیت ژئوپلیتیکی

موقعیت جغرافیایی کشورها و دسترسی به شاخص‌های جغرافیایی قدرت‌آفرین، اثر بسیار مهمی را در نقش‌آفرینی منطقه‌ای و جهانی آنها دارد. به گونه‌ای که هر کشوری از موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی بهتری برخوردار باشد، نقش‌آفرینی بیشتری نیز خواهد داشت. زیرا یکی از مهمترین تعیین‌کننده‌های سیاست خارجی آن کشور و نوع نگاه منطقه و جهان به آن می‌باشد. در این میان جمهوری اسلامی ایران به دلیل واقع شدن در چهار راه استراتژیکی جهان، سواحل دریایی طولانی و دسترسی به دریاها، آزاد، جزایر سوق‌الجیشی و قرار گرفتن در مجاورت تنگه استراتژیکی هرمز از موقعیت ژئوپلیتیکی برجسته‌ای در جهان برخوردار است. این امر موجب ایجاد ظرفیتی بزرگ برای نقش‌آفرینی آن در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی (ماکرو تا میکرو) شده است. پتانسیل‌های ژئوپلیتیکی ایران به صورت بالقوه شرایطی را فراهم می‌کند که در صورت

مدیریت مناسب و کارآمد می‌تواند ایران را به صورت قدرت منطقه‌ای و حتی جهانی مشاهده کرد. نقشه شماره (۲) کاملاً نشان‌دهنده اهمیت ژئوپلیتیکی ایران، سواحل طولانی و مجاورت تنگه هرمز است.

### ب. قدرت نظامی

قدرت نظامی از مهمترین ملزومات دولت‌ها در فضای آنارشیک سیستم بین‌المللی است. افزایش روزافزون تهدیدات سخت و مسابقه تسلیحاتی دولت‌های همسایه و رقبای استراتژیک ایران موجب توجه به این بخش از مؤلفه‌های قدرت ملی شده است. اگرچه حجم تهدیدات پیرامونی ایران از ابتدای انقلاب تاکنون روبه افزایش بوده اما با این حال قدرت بازدارندگی ایران موجب ایجاد ثبات و امنیت داخلی و بین‌المللی شده است. مطابق اطلاعات پایگاه معتبر گلوبال فایر پاور، ایران توانسته با توجه به افزایش روزافزون قدرت نظامی و کیفیت تجهیزات و زیرساخت‌های نظامی و با توجه به ابزارها و فناوری‌های نوین و تعداد کارکنان نظامی در سال ۲۰۱۹ رتبه ۱۴ از ۱۳۷ کشور را به دست آورد ([www.globalfirepower.com](http://www.globalfirepower.com)). مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی، در خصوص قدرت نظامی و تأثیرگذاری بر سیاست‌های جهانی در گزارشی از موشک‌های کوتاه‌برد و دوربرد ایران، به عنوان مهمترین ابزار نظامی اعمال قدرت این کشور اشاره می‌کند. نقشه شماره ۱ تأییدکننده این مدعاست. این سطح از توانایی بازدارندگی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی علی‌رغم وجود تحریم‌های بین‌المللی و فشارهای اقتصادی قابل توجه در سال‌های اخیر نشان از قدرت مولد و امنیت درون‌زا و قابلیت‌های بازیگری چالش‌گرانه و ایفای نقش بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران دارد.

نقشه شماره (۱): توانمندی نظامی جمهوری اسلامی ایران



(Source: www.missilethreat.csis.org)

پ. منابع عظیم طبیعی

جمهوری اسلامی ایران از منابع عظیم طبیعی به ویژه انرژی برخوردار است. به گونه‌ای که چهارمین دارنده بزرگ منابع نفتی جهان و نخستین دارنده ذخایر گاز جهان می‌باشد. این امر باعث شده تا در ژئوپلیتیک انرژی نیز جایگاه بسیار مهمی را در منطقه و جهان داشته باشد و از تأثیرگذاری بالایی در بازارهای نفت و گاز برخوردار است. همچنین موجب ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی ایران و نقش‌آفرینی بین‌المللی آن شده است. علاوه بر این دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای باعث شده تا قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش ارتقاء یابد. این نقش‌آفرینی دقیقاً همان ضرورت وجودی برای قدرت‌های نوظهور است که به باور کامران و دیگران (۱۳۸۹، ص. ۱۹) می‌تواند حلقه تأثیرگذاری ایران بر جهان خارج باشد، جایی که انرژی و تمام ابعاد آن، سه پارامتر جغرافیا، قدرت و سیاست جهانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر اساس اطلاعات آژانس انرژی آمریکا، مجموع ذخایر نفت خام ایران در سال ۲۰۱۹، بالغ بر ۱۵۸ میلیارد بشکه

ارزیابی می‌شود که تقریباً معادل ۱۰ درصد کل ذخایر شناخته شده نفت جهان است. همین‌طور ایران با داشتن رتبه دوم مالکیت گاز جهان، دارای ذخایری بالغ بر ۱۲۰۰ تریلیون فوت مکعب است که معادل ۱۷ درصد کل ذخایر شناخته شده گاز جهان محسوب می‌شود (www.eia.gov).

نقشه شماره (۲): ژئوپلیتیک انرژی ایران



(Source: www.eia.gov)

#### ۲-۴. قدرت نرم‌افزاری

اگرچه در حوزه قدرت نرم‌افزاری نیز تنوع بسیاری قرار دارد، اما مهمترین آنها در ارتباط با جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

#### الف. حوزه تمدنی ایران

قدمت تاریخی، وجود پیشینه، زبان و تجارب تاریخی مشترک با بسیاری از همسایگان و تأثیرگذاری فرهنگ پارسی در این جغرافیا (نقشه شماره ۳)، از عوامل تأثیرگذاری

ایران بر نظام منطقه‌ای و بین‌المللی است. به این مسائل می‌توان قرابت‌های نژادی، دینی و یا فرهنگی را نیز اضافه نمود. وجود سنت‌های باستانی مورد علاقه ملت‌های پیرامونی نظیر تکریم عید نوروز، و یا علاقمندی به شخصیت‌های اثرگذار فرهنگی و علمی ایران نظیر ابن‌سینا، حافظ و مولوی و یا وجود آیین‌های مشترک مذهبی نظیر اعیاد فطر و قربان و اعمال حج از جمله مواردی است که می‌تواند حوزه تمدنی جمهوری اسلامی ایران را توسعه داده و قدرت ژئوپلیتیک ایران را تقویت نماید.

### نقشه شماره (۳): حوزه تمدنی ایران بزرگ



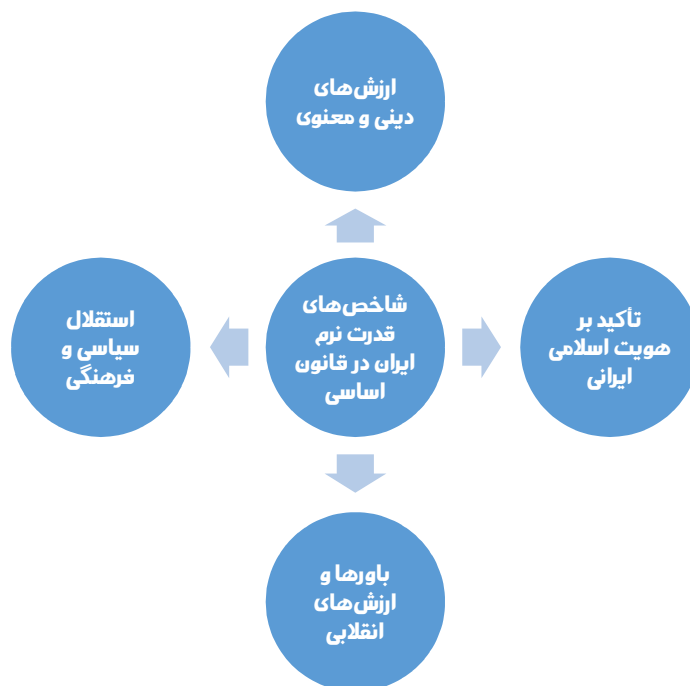
(source: www.iranicaonline.org)

### ب. جذابیت اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

اصول سیاسی مصرح در قانون اساسی ایران، در حقیقت بیان‌کننده ویژگی‌های اساسی نظام سیاسی در ایران است و مبتنی بر اصول و ارزش‌هایی هستند که جمهوری اسلامی ایران رسالت تحقق و پیگیری آنها را بر عهده دارد. مهمترین اصولی که می‌تواند بر جذابیت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در جهان کنونی بیافزاید عبارت است از: «سعادت انسان در جهان امروز» و «مسئولیت‌پذیری نسبت به وحدت جهان اسلام» (اصل ۱۵۲)، «مبارزه با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» (اصل ۲ بند ج) و «عدالت‌طلبی و

دفاع از مستضعفین» (اصل ۲). اگرچه قدرت انگاره‌پردازی برآمده از این اصول (نمودار شماره ۳)، از منظر قدرت نرم انقلاب اسلامی، تابعی از آرمان‌های سیاسی و اهداف متعالی جمهوری اسلامی ایران با توجه به مقتضیات زمان است، اما بررسی این اصول به شناخت و تحلیل انگیزه نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بازیگر چالشگر و ناراضی از وضع ناعادلانه توزیع قدرت در نظام بین‌الملل کمک می‌کند.

### نمودار شماره (۳): عوامل قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران



منبع: (ترسیم از نگارنده)

### پ. جهان‌شمولی ارزش‌های انقلاب اسلامی ایران

مهم‌ترین بار ارزشی و هنجاری ناشی از انقلاب اسلامی ایران، برجسته نمودن «اسلام» در برابر سایر ارزش‌های رایج و مسلط غربی در نظام بین‌الملل بود. توجه به این بعد جهانی اسلام که هدایت‌کننده ارزش‌های نظام سیاسی ایران است موجب ایجاد تعارضاتی گسترده با فرهنگ و ارزش‌های غیراسلامی می‌شود که در بطن خود بحران‌های متعدد سیاسی، هویتی و مشروعیت‌ساختاری را در میان قدرت‌های غالب



دامن می‌زند. به همین دلیل است که قدرت‌های مسلط از ناحیه قدرت نرم‌افزارانه جمهوری اسلامی ایران احساس خطر نموده و ایران را کشوری در مقابل نظم مبتنی بر هنجارهای مسلط غربی قلمداد می‌کنند.

### ت. قدرت علم و فناوری

لازمه بازیگری در نظام بین‌الملل توانایی رقابت در تمامی سطوح قدرت است. یکی از مؤلفه‌های قدرت‌های نوظهور توانایی علمی و پیشگامی در تولید و کاربست فناوری نوین است. یافته‌های پژوهشی محمدیان و عبادی (۱۳۹۶، ص. ۳۱) این مسئله را تأیید می‌کند که: ایران از سال ۲۰۰۷ به این سو، در بین کشورهای اسلامی و منطقه خاورمیانه جایگاه نخست تولید علم و حوزه فناوری نانو را در دست دارد. علاوه بر این در چند سال اخیر ایران به باشگاه کشورهای دارای فناوری فضایی و نیز هشت کشور دارای فناوری پرتاب ماهواره پیوسته است. علاوه بر این، بر اساس اطلاعات ثبت شده در مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تا سال ۲۰۱۸، آثار علمی منتشر شده ایران به رقم ۵۱.۱۵۲ عدد رسیده است. همین‌طور بر اساس آمار قابل استناد این پایگاه در بین کشورهای اسلامی، ایران رتبه اول تولید علم را به خود اختصاص داده است ([www.en.ricest.ac.ir](http://www.en.ricest.ac.ir)).

### ۵. ایران به عنوان قدرت چالشگر

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران صحنه معادلات جهانی تغییر یافت و نه تنها سیاست داخلی و خارجی ایران دچار دگرگونی عمیقی شد، بلکه تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی نیز از انقلاب ایران اثر پذیرفت. دولت انقلابی جدید، با تعریف رسالتی جهانی و انگیزه بازیگری در آغاز به سیاست عدم تعهد و وابستگی به دو قطب مسلط روی آورد، و سپس پا را فراتر نهاده و داعیه‌دار رهبری جهان اسلام شد. سیاست‌هایی که ایران انقلابی در این مسیر پیگیری می‌کرد، زمینه مخالفت جدی قدرت‌های مسلط نظام بین‌الملل را ایجاد می‌نمود. این سیاست همان چالشگری موجود در نظریه انتقال قدرت است که حاجی یوسفی (۱۳۸۱، ص. ۶۸) به ماهیت ایدئولوژیک و انقلابی آن اشاره کرده و نتیجه آن را ناسازگاری و مخالفت با عمده روندهای جاری منطقه‌ای و بین‌المللی می‌داند. با این حال انتقال قدرت فراتر از مباحث ایدئولوژیک اندیشیده و

ظرفیت‌های قدرت مادی را نیز مد نظر قرار داده است. در پیش گرفتن سیاست خارجی رادیکال و چالش‌گرانه، منجر به مطرح شدن ایران به عنوان بازیگری ناراضی و تجدیدنظرطلب در نظام بین‌الملل شد، که در قالب نظریه انتقال قدرت قابل توضیح بود. گفتمان اسلامی‌گرایی در سیاست خارجی، بهره‌مندی و تأکید بر قاعده نفی سبیل، مبارزه با نظام دوقطبی، جهانی‌سازی مبارزه با اسرائیل و حمایت از خیزش‌های شیعی و جنبش‌های ضدامپریالیستی، نامشروع دانستن دولت‌های عربی، حمله به تفکرات ناسیونالیستی و سکولار دولت‌های همسایه و تأکید بسیار بر لزوم وحدت امت اسلامی در مبارزه با استکبار از جمله نمونه‌های چالش‌گری جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل و تمایل به جابجایی قدرت و ایفای نقش منطقه‌ای و جهانی است.

#### ۶. سناریوهای محتمل بر اساس نظریه انتقال قدرت

بر اساس نظریه انتقال قدرت تحلیلی از رفتار بازیگر چالشگر به دست آمد. جمهوری اسلامی ایران در مدار قدرت جهانی بر اساس شاخص‌ها و ظرفیت‌های سخت و نرم به دنبال ایفای نقش منطقه‌ای و بین‌المللی است. انگیزه انتقال قدرت موجب کاهش قدرت بازیگر رقیب و تلاش قدرت مسلط به جلوگیری از برهم خوردن شرایط است. چنان که مشخص است بازیگر غالب رفتار محافظه‌کارانه را اتخاذ نموده و بازیگر نوظهور رفتار چالش‌گرایانه را برای انتقال مناسب میبیند. تئوری انتقال قدرت قابلیت پیش‌بینی رفتار بازیگر غالب را نیز به وضوح روشن می‌کند. بدیهی است ظهور قدرت منطقه‌ای ایران در این ژئوپلیتیک با مقاومت قدرت‌های برتر نظام بین‌الملل همراه خواهد بود. هر چه بازیگر از قدرت بیشتری در این نمودار برخوردار باشد ظرفیت‌های مقابله‌ای و بازدارندگی بیشتری در اختیار خواهد داشت. به همین دلیل در این بخش به سناریوهای محتمل مورد توجه بازیگر غالب خواهیم پرداخت.

#### ۶-۱. احتمال وقوع جنگ مستقیم

قدرت نوظهور ایران در هر سطحی مهمترین چالش برای بازیگران غالب نظام بین‌الملل است. به طوری که هنجارهای مسلط جهانی که تضمین‌کننده سلسله‌مراتب فعلی قدرت جهانی است، با حمایت آمریکا و متحدان آن پابرجا می‌باشد. این در حالی است که عرصه

تصمیم‌گیری در ایالات متحده با روی کار آمدن تندروهایی نظیر ترامپ، پنس و تیم محافظه‌کار وی با جمهوری اسلامی ایران از در تقابل درآمده و از سه حوزه امنیت ملی، حقوق بشر، آزادی و فرهنگ آمریکایی، ایران را در مقابل خود ترسیم نموده و تمام تلاش خود را برای مقابله به کار می‌گیرد. جنگ لفظی سال‌های اخیر در روابط ایران و آمریکا، حضور ناوگان تهاجمی دریایی آمریکا در آب‌های نزدیک خلیج فارس و خروج نیروهای غیرضروری آمریکا از عراق و افغانستان، این گمانه‌زنی را به ذهن متبادر می‌کند که مقامات کاخ سفید برای مقابله با قدرت نوظهور ایران در نظام بین‌الملل اقدام به جنگ مستقیم و برخورد نظامی را اگرچه به صورت محدود در دستور کار خود قرار می‌دهند.

بنابراین تحلیل ایران با قدرت به دست آمده از ناحیه فناوری هسته‌ای به دولتی غیرقابل کنترل و مسئولیت‌ناپذیر تبدیل شده و این قدرت زمینه به کارگیری سیاست‌های تهاجمی نسبت به آمریکا را در ایران بیشتر می‌کند. تجویز تیمرمان<sup>۷</sup> برای سیاستمداران آمریکایی تأمل در این باره است که آیا می‌توانند به نیت ایران اعتماد کنند و در مقابل ایران راهبردی که مبتنی بر برخورد نظامی و جنگی ناخوشایند است را بپذیرند. البته تیمرمان از بعد انگیزه‌ای نیز به موضوع تقابل ایران و آمریکا نگاه می‌کند و معتقد است که رهبران ایران در تقابل هویتی و فکری با ارزش‌های آمریکایی هستند و این موضوع را بیشتر از توانایی نظامی ایران دارای اعتبار تلقی می‌کند (Timmerman, 2005, p. 129).

## ۶-۲. احتمال جنگ نیابتی

در شرایط متغیر و نابسامان خاورمیانه که سرشار از بی‌ثباتی ناشی از مداخلات بازیگران فراملی و واکنش‌های سخت‌افزارانه گروه‌های فروملی است می‌توان قدرت‌یابی و قدرت‌طلبی ایران را بستری برای ایجاد بلوک‌های جدیدی از نظم منطقه‌ای در مواجهه با قدرت ژئوپلیتیک آمریکا و اسرائیل دانست. بیداری اسلامی و تغییرات سال‌های اخیر در منطقه تحت تأثیر هویت‌های اسلامی ملت‌های منطقه در عرصه سیاسی و اجتماعی بوده که باعث به چالش کشیدن سیاست‌های غربی سکولار شده است. این نوع مواجهه سیاسی و ایدئولوژیک منجر به شکل‌گیری قطب‌بندی جدیدی توسط قدرت‌های بزرگ در مقابل جمهوری اسلامی ایران شده است. استفاده آمریکا از سیاست موازنه‌ساز در رقابت منطقه‌ای خاورمیانه که منجر به اتخاذ رویکردهای تهاجمی توسط عربستان و

رژیم صهیونیستی شده، این دولت‌ها را در برابر ایران قرار داده است، به طوری که عربستان و رژیم صهیونیستی به نیابت از آمریکا چالش‌های منطقه‌ای با ایران را هدایت و دنبال می‌کنند. از دیدگاه آمریکایی جنگ‌های نیابتی و تنش‌های منطقه‌ای می‌تواند نیروی پیشبرنده ایران را دچار کندی نماید و جمهوری اسلامی ایران که نماد بازیگری چالشگر و ناراضی از توزیع قدرت جهانی و منطقه‌ای است را دچار مشکلات زیادی نماید. سناریوی جنگ‌های نیابتی با هدف ایجاد اصطکاک و فرسایش قدرت ژئوپلیتیکی در سیاست خارجی ایران به دنبال جلوگیری و ممانعت از قدرت‌یابی ایران است. مشغول نمودن ایران به بحران‌های ژئوپلیتیک پیرامونی، و تصور تهدید جنگ‌های مستقیم می‌تواند عاملی بازدارنده در مسیر رشد و ظهور قدرت ایران باشد.

### ۶-۳. تغییر رژیم

سیاست تغییر رژیم به یکی از مهم‌ترین دستور کارهای کاخ سفید در دوره جنگ سرد و پس از آن تبدیل شد و به‌نوعی تضمین‌کننده منافع ایالات متحده در قبال دولت‌های متخاصم و متعارض به شمار می‌رفت (Hass, 2010). پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و دنبال کردن سیاست تقابل‌گونه با ایالات متحده آمریکا، مقوله تغییر رژیم در فضای تخاصم‌آمیز میان دو دولت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شد. در واقع، بر مبنای راهبرد کلان مهار ایران، به عنوان قدرت تجدیدنظرطلب نظام بین‌الملل، تغییر رژیم به عنوان مهم‌ترین دستور کار دولت‌های مختلف آمریکا مبنای عمل قرار گرفت. دولتمردان آمریکا مخصوصاً نومحافظه‌کاران معتقدند با پافشاری بر راهبرد تغییر رژیم، مهار نظام انقلابی ایران که در طی چهار دهه گذشته پیگیری شده، در حال نتیجه دادن است و این سیاست به کمک عوامل جانبی (تحریم اقتصادی، تهدید نظامی) به تدریج می‌تواند زمینه‌های بروز نوعی «تغییر رفتار و در مرحله بعد تغییر رژیم» را در ساختار داخلی ایران فراهم آورد. مسئله‌ای که امروزه به عنوان راهبرد مهم دولت ترامپ در حال پیگیری است، تغییر رفتار و دست کشیدن جمهوری اسلامی ایران از آرمان‌ها و نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی خود و سپس اجرایی کردن فاز دوم که منجر به فروپاشی داخلی و تغییر رژیم شود. این همان بیانی است که «هاس» در مقاله خود با عنوان «تغییر رژیم و محدودیت‌های آن» اشاره کرده است (Hass, 2005).

#### ۶-۴. نظام تحریم‌ها

تعدادی از کارشناسان آمریکایی (Zuckerman, 2010) به دلیل ناکامی ایالات متحده در شکست‌ها و پیامدهای ناشی از جنگ مستقیم در عراق و افغانستان بر این باورند که گزینه‌های نظامی در خصوص ایران به هیچ‌وجه نتیجه مطلوب را حاصل نمی‌کند، بلکه پیشنهاد می‌دهند که آمریکا، تحریم‌هایی سخت‌تر و بیشتر از آنچه بعد از بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ به بعد بر این کشور وضع کرد را در خصوص ایران اعمال کند. هدف تحریم و فشار بر ایران، افزایش هزینه همکاری اقتصادی با ایران توسط تحمیل جریمه بر شرکای اروپایی، چین و هند و روسیه در راستای راهبرد جلوگیری از ظهور هژمونی منطقه‌ای و ظهور قدرت چالشگری جمهوری اسلامی ایران است.

#### نتیجه‌گیری

در نظریه انتقال قدرت فرض بر این است که برخی دولت‌ها راضی و برخی دیگر ناراضی هستند. دولت مسلط قواعد و هنجارهای نظام بین‌الملل را تثبیت می‌کند که به نوبه خود وضع موجود را مشخص می‌سازند و همین قواعد و هنجارها مطلوب برخی دولت‌ها بوده و برخی دیگر نیز از آن رضایت ندارند و درصدد چالش و برهم‌زدن نظم موجود و به دست آوردن جایگاه مناسب در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی هستند. در این نظریه دولت غالب همیشه راضی است، این در حالی است که نسبت دولت‌های ناراضی به موازات پایین آمدن از هرم افزایش پیدا می‌کند، زیرا دولت‌هایی که قدرت کمتری دارند اثر کمی روی وضع موجود به جای می‌گذارند. در نظریه انتقال قدرت عقیده بر آن است که دولت‌های راضی، به منظور تقویت قواعد و هنجارهای نظام، در قالب ائتلاف برنده به دولت غالب ملحق می‌شوند و دولت چالشگر برای بالا آمدن در سیستم بین‌المللی ناچار به برهم زدن شرایط و تحمل مشکلاتی است.

جمهوری اسلامی ایران با استفاده از چارچوب سیاست خارجی مستقل، اسلامی و به دلیل برخورداری از مؤلفه‌های درون‌زای قدرت و شرایط ژئوپلیتیک به دنبال تحول در ساختار نظام بین‌الملل و ایفای نقش جهانی است. شاخص‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قدرت ایران و دسترسی‌هایی که منجر به افزایش سطح رقابت منطقه‌ای ایران و آمریکا و برخی دولت‌های محافظه‌کار عربی می‌شود. از سوی دیگر چالشگری و

تجدید نظر طلبی ایران منجر به افزایش احتمالی برخورد با قدرت‌های برتر (آمریکا) سیستم بین‌المللی می‌شود که بر طبق یافته‌های پژوهش، از جنگ نظامی مستقیم تا سناریوی تحریم و تغییر رژیم را شامل می‌شود. این برخورد نیز بر اساس یافته‌های حاصل از نظریه انتقال قدرت قابل تبیین است که قدرت‌های بزرگ تحمل پذیرش قدرت‌های چالشگر منطقه‌ای که نظم مورد نظر و تأیید شده آنان را برهم بزند، ندارند و تمام تلاش خود را در راستای حفظ وضع موجود و عدم ظهور قدرت چالشگر و ناراضی به کار می‌گیرند.

#### یادداشت‌ها

##### 1. Power Transition Theory

۲. در خصوص تحلیل رضایت قدرت غالب نسبت به نظم جدید بین‌المللی مطالعات گسترده‌ای توسط اندیشمندان روابط بین‌الملل انجام شده است که می‌توانید به نمونه‌های ذیل مراجعه کنید:

Benson, 2007; Kim, 1998; Lemke and Reed, 2001; Lemke and Werner, 1996.

3. Bretton Woods

4. GATT

5. WTO

6. Lemke

7. Timmerman

#### کتابنامه

احمدی، سیدعباس؛ بدیعی، مرجان و ازنده‌ای و حیدری، طهمورث (۱۳۹۶). «تبیین نظری تغییر ماهیت مناطق ژئوپلیتیک در رقابت بین قدرت‌ها»، فصلنامه ژئوپلیتیک. ۱۳(۳). ۵۵-۷۸.

اطاعت، جواد (۱۳۸۷). «ایران و آمریکا، رویارویی یا تعامل؟»، مجله سیاسی اقتصادی. ۲۶۳(۴). ۴-۹.

جاودانی مقدم، مهدی (۱۳۹۱). «ژئوپلیتیک نوین تشیع در خاورمیانه و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه ژئوپلیتیک. ۸(۲). ۲۹-۶۲.

حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۳۸۱). سیاست خارجی ایران در پرتو تحولات منطقه‌ای. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

خرمشاد، محمدباقر و مرادخانی، حمید (۱۳۹۴). «بررسی جایگاه قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بر اساس الگوی سوات (SWOT)»، فصلنامه علمی پژوهشی رهیافت/انقلاب اسلامی. ۳۳(۹). ۳-۲۶.

سمیعی اصفهانی، علیرضا و امیربیک، علی (۱۳۹۰). «قدرت منطقه‌ای ایران و چالش‌های خارجی پیش روی آن»، فصلنامه سیاست. ۴۱(۴)، ۹۷-۱۱۸.

کامران، حسن؛ غلامی، بهادر؛ یاری، اسلام؛ حسینی، سیدحسن و خالدی، حسین (۱۳۸۹). «جغرافیا و قدرت ملی»، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی. ۱۶(۲)، ۵-۲۸.

محمدیان، علی و عابدی، هانی (۱۳۹۶). «تحلیلی بر ارتقاء جایگاه ایران در خاورمیانه با تأکید بر قدرت هوشمند»، فصلنامه علوم سیاسی. ۱۳(۴۰)، ۲۳-۴۸.

یزدانی، عنایت‌الله و تویسرکانی، مجتبی (۱۳۹۰). «تحلیلی بر رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌ها در بیضی استراتژیک انرژی»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. ۱۰۳(۴)، ۱۴۹-۱۸۶.

- Benson, Michelle (2007). "Status Quo Preferences and Disputes Short of War", *International Interactions*. 33(2), 271-288.
- Bueno de Mesquita, Bruce (2006). *Principle of International Politics*. 3rd ed. Washington, DC: CQ Press.
- Hass, Richard N. (2010). "REGIME CHANGE IS THE ONLY WAY TO STOP IRAN". at: <https://www.newsweek.com/haass-regime-change-only-way-stop-iran-71005> Jan 21.
- Hass, Richard N. (July-August 2005). "Regime Change and Its Limits", *Foreign Affairs*. 84(4), pp. 1-12.
- Kim, Woosang (1998). "Power, Alliance, and Major Wars, 1816- 1975", *Journal of Conflict Resolution*. 33(2), pp. 255-273.
- Kugler, Jacek and Lemke, Douglas (eds) (1996). *Parity and War: Evaluations and Extensions of The War Leader*. Michigan :University of Michigan Press.
- Lemke, Douglas (2002). *Regions of War and Peace*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Lemke, Douglas and Reed, William (2001). "War and Rivalry among Great Powers", *American Journal of Political Science*. 45(2), pp. 457-469.
- Lemke, Douglas and Werner, Suzanne (1996). "Power Parity, Commitment to Change, and War", *International Studies Quarterly*. 40(2), pp. 235-260.
- Mearsheimer, John J. (2001). *The Tragedy of Great Power Politics*. New York: Norton.
- Morgenthau, Hans J. (1967). *Politics Among Nations: The Struggle for Power and Peace*. 4th ed, New York: Knopf.
- Organski, A.F.K (1968). *World Politics*. 2nd ed. New York: Knopf.
- Organski, A.F.K. and Kugler, Jacek (1980). *The War Leader*. Chicago: University of Chicago Press.
- Quackenbush, Stephen L. (2015). *International Conflict: Logic and Evidence*. London: CQ Press.

- Tammen, Ronald L.; Kugler, Jacek; Lemke, Douglas; Stam, Allan C.; Alsharabati, Carole and et.al (2000). *Power Transitions: Strategies for the 21st Century*. New York: Chatham House.
- Timmerman, Kenneth R. (2005). The Day after Iran Gets the Bomb: [https://www.researchgate.net/publication/268040888\\_THE\\_DAY\\_AFTER\\_IRAN\\_GETS\\_THE\\_BOMB](https://www.researchgate.net/publication/268040888_THE_DAY_AFTER_IRAN_GETS_THE_BOMB)
- Zuckerman, Mortimer B. (June 25, 2010). 3 Steps to Stop Iran From Getting a Nuclear Bomb, at: <http://www.usnews.com/opinion/mzuckerman/articles/2010/06/25/3-steps-to-stop-iran-from-getting-a-nuclear-bomb?PageNr=3>  
<http://www.iranicaonline.org/articles/search/keywords:greater%20iran>  
<https://en.ricest.ac.ir/iran-among-world-top-20-countries-based-on-the-number-of-scientific-publications/>  
<https://missilethreat.csis.org/country/iran/>  
<https://www.eia.gov/beta/international/analysis.php?iso=IRN>  
[https://www.globalfirepower.com/country-military-strength-detail.asp?country\\_id=iran](https://www.globalfirepower.com/country-military-strength-detail.asp?country_id=iran)



